

طبیعت در چنگال صنعت

«توپیاری» فن است یا هنر؟

abedi_sepide@yahoo.com

سپیده عابدی / کارشناس فضای سبز

پایداری رابطه انسان با طبیعت را در مرز تزئین نگه می‌دارد.
جایگاه امروز؛ توپیاری به مثابه هنر شهری!

روند رو به رشد توپیاری بیش از آنکه جنبه گیاه‌شناسی و هنری داشته باشد به سمت صنعتی شدن پیش می‌رود. تا جایی که امروزه به جای منظرپردازی اصیل گیاهان، از آنها به عنوان زینت‌بخش ستون‌ها و تجهیزات سنگی و فلزی استفاده می‌کنیم. این اقدام، هویت گیاه‌شناختی عناصر طبیعی را از بین می‌برد. البته استفاده از تیرک و پایه‌های فلزی برای نگهداری گیاه و کمک به حفظ و کنترل فرم رویشی آن پلامانع است اما نه به گونه‌ای که گیاه، این سرمایه زنده و شاداب در میان انبوهی از عناصر سخت، کاربردی نظیر آجر در نماسازی ساختمان پیدا کند و با آن همچون گچ و سیمان و به دید نوعی مصالح ثانویه رفتار کنند. لازم به یادآوری است که اولین اصل در طراحی فضای سبز این است که به عناصر طبیعی به عنوان موضوع اصلی بنگریم و سایر المان‌های سنگی، چوبی و فلزی را به عنوان ضمیمه طراحی به آن بیفزاییم.

با این حال می‌بینیم که گیاهان تنها در غالب لباس‌های رنگین بر تن یک اژدهای غول پیکر و یا شخصیت‌های کارتونی محبوب کودکان نقش ایفا می‌کنند. حال باید پرسید آیا ساخت چنین احجام بزرگ و رنگینی صرفاً برای جلب توجه کودکان است؟ با توجه به نگهداری ویژه‌ای که باید از این قبیل توپیاری‌های پرهزینه و حساس به عمل آید و مردم حتی اجازه دست‌زدن و تکیه‌دادن به آنها را ندارند، آیا اینکه حجمی از گل پوشیده باشد و یا از گچ برای کودک ملموس است؟ آیا بازی با احجام قابل دسترسی برای آنها لذت‌بخش‌تر نیست؟ و در آخر با توجه به اینکه ساخت این قبیل توپیاری‌ها مدت زمانی بین ۱۰-۵ سال طول می‌کشد آیا اجرای آنها در همه جا با صرفه اقتصادی و کارایی بالا همراه است؟

هنر توپیاری در گذشته تنها به آراستن باغ‌های اشرافی، توجهی ویژه داشت، ولی امروزه گونه‌های این هنر در بافت‌های متنوع شهری، پیاده‌روها و خیابان‌های شهرها، به شکلی تزئینی و اتنزاعی رواج یافته است. حفظ حقیقت عناصر طبیعی در یک زمینه جغرافیایی و فرهنگی است که موجد زیبایی می‌شود نه توسعه آن در قالب یک هنر انتزاعی. توسعه هدفمند طبیعت در شهر، با حفظ ارزش و هویت عناصر طبیعی می‌تواند موجد کیفیت منظر شهری و پاسخگوی اوقات فراغت شهروندان شود. این امر از یک رویکرد آرایشی و تزئینی همچون ساخت آبشار مصنوعی، برکه، باغ‌های صخره‌ای و عروسک‌های گل که گاه در فضاهای شهری با آن مواجه می‌شویم، فراتر است.



واژگان کلیدی: توپیاری، گیاه‌شناسی، هنر، زمان، هویت، منظر شهر.

پیشینه توپیاری

هنر آفرینی به وسیله هرس کردن درخت، درختچه و بوته، به منظور تزئین باغ، «توپیاری» اطلاق می‌شده است. رد پای هرس درختان و درختچه‌ها به مصر، روم باستان و یونان بر می‌گردد. در ایتالیا باغ‌هایی را تربیت کرده‌اند که هیچ گیاهی از مسیر عادی رشد خود پیروی نمی‌کند و اصولاً در باغ‌های رسمی قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی مرسوم بوده است (پیش‌بین، ۱۳۸۴). هرس و شکل‌دهی در چین و ژاپن با دقت زیاد اما با اهداف کاملاً متفاوت انجام می‌شده است. به طور مثال آنها نمای استادانه‌ای از شکل طبیعی کاج پیر مقدس در می‌آوردند. هرس ابری شکل ژاپنی‌ها (illustration) به هنر اروپاییان بسیار نزدیک بود. در دوره رنسانس، توپیاری در باغچه‌های گلکاری شده، تراس باغ‌های شاخص اروپایی و باغ خانه‌های روستایی ظاهر شد. احیای مجدد توپیاری در باغسازی انگلیس مقارن با ظهور سبک «Jacobethan» در معماری بود و حدود ۱۹۶۲ سبک قابل حمل توپیاری آمریکایی‌ها در «Disneyland» طرح شد. در این روش از قاب‌ها و اسکلت‌هایی استفاده می‌شود که به شاخه‌های گیاه کمک می‌کند تا به صورت منحنی رشد کند (elliott,2000). فرم‌های توپیاری سنتی از هرس شاخ و برگ و پرورش آنها به اشکال هندسی مثل: کره، مکعب، استوانه، هرم، مخروط و مارپیچی به‌دست می‌آید. همچنین اشکال نمایشی که مردم، حیوانات و دست‌ساخت‌های انسان را نشان می‌داد، شهرت یافت. این مصادیق بیانگر دست‌کاری منطقی طبیعت در آشکارگی زیبایی است. زیبایی‌ای که از بیرون خودش را بر ماهیت اصیل طبیعت چیره می‌کند و



فرش گل بر بدنه پل

هرچند که دیدن این تندیس‌های سبز در فستیوال‌های مجسمه‌سازی، بسیاری را به وجد می‌آورد و نقش خاطره‌انگیزی در ذهن افراد بر جای می‌گذارد؛ اما کاربرد آنها در منظر شهری با محدودیت‌هایی رو به رو است که در صورت عدم توجه به آنها نتایجی جز بی‌هویتی، اغتشاش بصری و نوعی انحصارگرایی طبیعت در چنگال صنعت را به دنبال نخواهد داشت.

از شمال تا جنوب و در شرق و غرب کشور رواج یافته است، در پاره‌ای از موارد با نارسایی، زردی و کچلی مواجه شده است.

در اینجا نقش سازمان‌های زیباسازی، پارک‌ها و فضای سبز و شهرداری‌ها پررنگ‌تر می‌شود تا در منظرپردازی شهری، بیشتر از گونه‌های بومی همان منطقه که هرس‌پذیر هستند استفاده کنند. بدین ترتیب هر شهر، سبزی خود را از پوشش گیاهی بومی همان شهر می‌گیرد و هویت اکولوژیکی گیاهان آن نیز حفظ می‌شود.

عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز به نوبه خود بر جانمایی توپواری‌ها مؤثرند و سطح دیدگاه مردم از گیاه و کاربرد آن در منظر شهری در چگونگی حفظ و نگهداری از آنها تأثیرگذار است. پس بهتر است پیش از اقدام برای طراحی یک منظر، به زمینه‌های پایداری آن توجه ویژه‌ای داشت تا هم زیباسازی شهر با حفظ و حراست خود شهروندان، پایدارتر بماند و هم با جلوگیری از هزینه‌های اضافی ناشی از کاشت مجدد و ترمیم فضای دست‌خورده از صرفه اقتصادی بیشتری برخوردار شود. اشراف به این موضوع در حالی است که ما در سطح شهرها شاهد به‌کار بردن گیاهان به اشکال مختلف توپواری در بزرگراه‌ها، میادین، حاشیه خیابان‌ها، زیر پل‌ها و ... هستیم. انتخاب این اماکن برای اجرای یک توپواری ساده یا پیشرفته نه تنها ارزش هنری آن کاسته و آن را در دید عموم جامعه به سبکی غیر هنری، عادی و پیش پا افتاده تبدیل می‌کند، بلکه در بیشتر موارد سبب پرت‌شدن حواس رانندگان به هنگام رانندگی و فاجعه‌آفرینی در اتوبان‌ها و خیابان‌های سطح شهر می‌شود. باید دانست که مسبب اصلی این حوادث توپواری‌های زیبا نیستند؛ بلکه مکان‌یابی اشتباه و غیر اصولی آنها در سطح شهر است.

پس در گیاه‌آرایی باید توازن و تعادل را به گونه‌ای برقرار کرد که ضمن حفظ هویت گیاه‌شناسی، جلوه‌های هنری و زیبایی‌های بصری منظر دوچندان شود. مسلماً برای پیش‌بردن اهداف ثانویه نباید شاخص‌های اصلی را زیر پا گذاشت. ما حامیان فضای سبز ترجیح می‌دهیم یک درخت، درخت باشد تا اینکه نه درخت باشد و نه فیل!

گیاه یک موجود زنده است و عنصر زمان برای همه موجودات زنده ارزشمند و غیرقابل بازگشت است. پس باید در این زمینه از وقت، انرژی و هزینه به صورت کارشناسانه و منطقی بهره گرفت. دستیابی به منظر رشد گیاه و آرایش هدفمند آن (منظور طرح کاشت) برای آفرینش زیبایی با حفظ هویت اکولوژیک آن امری ضروری است.

ملاحظات فراموش شده طبیعت در منظر شهری

توجه به شرایط محیطی، آب و هوا، توپوگرافی و حتی عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه است. اولین قدم برای شاخص کردن گیاه، انتخاب محل معین است که بتواند به عنوان یک نقطه کانونی و جالب توجه مانند ورودی‌ها، در انتهای یک گذرگاه، پاسیو و یا هر محل دیگری، نظرها را جلب نماید. قدم دوم این است که اگر شکل معینی مورد نظر است برحسب آن شکل باید گونه مناسب با آن، انتخاب و کاشته شود (پیش بین، ۱۳۸۴).

متأسفانه در برخی شهرهای کشور، علی‌رغم شرایط بسیار متنوع آب و هوایی و پستی و بلندی‌های ناشی از دو رشته کوه البرز و زاگرس، دو یا چند تیپ گیاهی شاخص در نقاط متفاوت، به شکل واحدی اجرا می‌شوند. برای نمونه سرو «لاسون» با برش متغای که بدون توجه به خاستگاه رویشی آن

جمع‌بندی

از آنجا که توپواری نیز در زمره هنر شهری درآمده و از آن با عنوان «فن هنری» یاد می‌شود، باید در عین ایجاد زیبایی به احراز هویت طبیعی و اصیل گیاه پردازد و نگاه طبیعی و ارزشمند به طبیعت، که در باغ‌های ایرانی همچنان آشکار است را امروز، سرلوحه تفسیر و اجرا قرار دهد. طبیعت از آن جهت زیباست که خدا خالق یکتای آن است و او بهتر می‌داند هر گیاه را با چه فرم رویشی و ویژگی‌های زیباشناختی بیافریند. «قال ربنا الذی اعطی کل شی خلقه ثم هدی» (پروردگار ما کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بود داده، سپس هدایتش می‌کند) (سوره طه، آیه ۵۰). برای طراحی مناظر شهری زیبا، تنها کافی است که انسان با شناخت این ویژگی‌ها در طراحی کاشت به صورت صحیح‌تری از عناصر طبیعی بهره جوید و هویت اصلی آن را با کاربرد و مکان‌یابی مناسب در فضاهای شهری زنده نگه دارد.



تحمیل زیبایی به درختان



کدام‌یک، درخت یا فیل؟



توپواری کارتونی در فستیوال مجسمه‌سازی سبز

منبع تصاویر

● www.siterooz.com

منابع

- پیش‌بین، اسماعیل (۱۳۸۴) هرس به معنی هرس (درخت، درختچه، باغی، زینتی)، نشر آبیژ، تهران.
- سایمون، بل (۱۳۸۷) عناصر طراحی بصری در منظر، ترجمه: دکتر محمدرضا مثنوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Brent, Elliott (2000) *Historical Revivalism in the Twentieth Century: A Brief Introduction*, Garden History, Reviewing the Twentieth-Century Landscape.